

[حل مشکل صوم فی السفر و احرام قبل از میقات منذور 1](#_Toc98083203)

[راه حل اول مرحوم آخوند 1](#_Toc98083204)

[تغییر صیاغت راه حل اول مرحوم آخوند توسط استاد 1](#_Toc98083205)

[حل دوم مرحوم آخوند 2](#_Toc98083206)

[اشکال و جواب نسبت به راه حل دوم مرحوم آخوند 2](#_Toc98083207)

[کیفیت تحقق عبادیت صوم و احرام 2](#_Toc98083208)

[راه حل سوم مرحوم آخوند 3](#_Toc98083209)

[اشکال و جواب نسبت به راه حل سوم 3](#_Toc98083210)

[اشکال استاد به توجیه سوم مرحوم آخوند 3](#_Toc98083211)

[جمع بندی 4](#_Toc98083212)

[خلاصه اصل بحث 4](#_Toc98083213)

[دوران امر بین تخصیص و تخصص 4](#_Toc98083214)

[دلیل جواز تمسک به عام برای اثبات تخصص 5](#_Toc98083215)

**موضوع**: بررسی کلمات /تمسک به عام برای کشف حکم دیگر /عام و خاص

# حل مشکل صوم فی السفر و احرام قبل از میقات منذور

بحث در مورد فرمایش مرحوم آخوند در رابطه با حل مشکل صوم فی السفر منذور و احرام قبل از میقات منذور بود. چگونه فی حد ذاته مشروع نیستند ولی با نذر صحیح هستند در حالی که باید متعلق نذر راجح باشند.

## راه حل اول مرحوم آخوند

مرحوم آخوند سه حل ارائه کرده است. حل اول گذشت. یک تعبدی واقع شده است و می­خواهیم آن را حل کنیم و اگر امکان و شایدی هم باشد کافی است. ایشان فرمود: شاید این گونه باشد که ذاتا صوم در سفر و احرام قبل از میقات رجحان و ملاک دارد ولی مبتلا به مانع بوده و خداوند آنها را مشروع یا واجب نکرده است. وقتی که نذر کرد، مانع مرتفع می­شود و مشروع و واجب می­شود. امکان این حل وجود دارد.

### تغییر صیاغت راه حل اول مرحوم آخوند توسط استاد

بعضی از اشکالات را دفع کردیم و فقط ما تعبیر مرحوم آخوند را نپسندیدیم. این که مرحوم آخوند فرموده است نذر مانع را مرتفع می­کند، مقداری با ارتکاز ما سازگار نیست. ما عبارت را عوض کردیم و گفتیم رجحان ذاتی برای مشروعیت دارد ولی مانع موجود است و مانع آن در فرض فقد نذر است، نه این که نذر مانع را مرتفع بکند؛ بلکه از اول مانع ضیق است یعنی مانع در فرضی است که نذر محقق نشود. در حقیقت عدم نذر مانع است. بعید است که نذر مانع زدا باشد.

## حل دوم مرحوم آخوند

ایشان می­فرماید: صوم فی السفر و احرام قبل از میقات ذاتا مقتضی ندارند یعنی علاوه بر این که محبوبیت ندارند رجحان هم ندارند. شاید این راه حل با ظاهر روایات سازگارتر باشد؛ ولی وقتی نذر محقق می­شود، یک عنوان راجحی پیدا می­شود. شبیه این مطلب را در نهی در عبادات مطرح می­کرد و لو این که ما عنوان راجح را ندانیم چه چیزی است. آخوند از کسانی است که ید طولانی در این مساله دارد. همین عنوان سبب می­شود که صوم و احرام ملاک دار شوند و مانعی هم وجود ندارد پس مطلوب شارع می­شود.

### اشکال و جواب نسبت به راه حل دوم مرحوم آخوند

در راه قبل، قبل از نذر، متعلق نذر رجحان داشت و مشکلی نداشت که نذر باید به راجح تعلق بگیرد ولی در این جا این مشکل وجود دارد یعنی نذر به چیزی تعلق گرفته که راجح نیست.

مرحوم آخوند این مطلب را جواب داده و فرموده است: ما دلیلی نداریم که قبل از تعلق نذر، متعلق نذر باید رجحان داشته باشد. مثل متعلق تکلیف است که باید مقدور باشد و لو این که با آمدن امر مقدور شود. همین مقدار کافی است. نکته رجحان داشتن متعلق نذر این بود که قصد قربت متمشی بشود که با آمدن نذر، رجحان می­آید و قصد قربت متمشی می­شود.

#### کیفیت تحقق عبادیت صوم و احرام

سوالی که مطرح می­شود این است: عبادیت صوم به چه چیزی است؟ یعنی وجوب وفای به نذر توصلی است ولی صوم عبادی است. عبادی بودن چگونه حل می­شود؟

مرحوم آخوند فرموده است: به وسیله نذر یک عنوان راجحی محقق می­شود که امتثالش نمی­شود مگر این که قربی باشد. این قربی آوردن قبل از وفای به نذر است. لذا عبادیت هم حل می­شود.

## راه حل سوم مرحوم آخوند

ایشان فرموده است: ممکن است بگوییم رجحان ذاتی ندارد و کاشف از عنوان راجح هم نیست ولی تخصیص را مطرح می­کنیم. یعنی ادله نذر می­گویند باید متعلق آن رجحان داشته باشد و این مطلق و عام است و این دو روایت مخصص هستند. یعنی در این دو مورد شرط نیست که متعلق نذر راجح باشد.

### اشکال و جواب نسبت به راه حل سوم

بعد یک اشکالی مطرح می­شود: اگر بنا باشد صوم فی السفر و احرام قبل از میقات رجحان داشته باشند، وجوب وفای به نذر هم به همان تعلق گرفته است پس چگونه آن را عبادی امتثال کند؟ در حقیقت شما می­گویید این دو مورد تخصیص ادله نذر است و لزومی ندارد که این دو مورد راجح باشند بنا بر این امتثال به نحو عبادی چگونه مطرح می­شود؟ اگر رجحان ندارد اصلا امکان ندارد که مطلوب باشد.

مرحوم آخوند فرموده است: شما که نذر می­کنید، صومی که عبادی است را نذر می­کنید. احرام عبادی را نذر می­کنید. در حقیقت عبادی در متعلق نذر شما آمده است. هر چند که صوم و احرام عبادی رجحان ندارند ولی شارع گفته است وقتی که نذر کردی باید امتثال کنید. وقتی که مکلف به نحو عبادی نذر کرده است باید به نحو عبادی امتثال شود و عبادی بودن قبل از نذر موجود است. همیشه وفای به نذر تابع کیفیت نذر مکلف است که در این جا به نحو عبادی است و باید عبادی امتثال کند. صوم عبادی یعنی صومی که ملاکش محقق نمی­شود مگر این که قربی اتیان شود.

### اشکال استاد به توجیه سوم مرحوم آخوند

توجیه سوم گفتنی نیست. تخصیص امکان پذیر نیست. متعلق نذر باید راجح باشد و این مطلب قابل تخصیص نیست. اگر صوم فی السفر هیچ مطلوبیتی ندارد چگونه می­تواند بگوید لله علیّ ان اصوم فی السفر؟

اگر بنا باشد به همین بدون مطلوبیت باقی بماند و جواب دوم جاری نشود، چگونه عبادی امتثال شود؟ وقتی که مطلوب مولا نیست، چگونه می­تواند برای خدا امتثال کند؟ اصلا فرض این است که قبل از نذر و بعد از نذر هیچ فرقی از جهت مطلوبیت ندارد. قبل از نذر نمی­شد عبادی امتثال شود، چگونه بعد از نذر عبادی امتثال می­شود؟ بله؛ به قصد وجوب وفای به نذر می­تواند امتثال کند؛ ولی این وجوب هم توصلی است. اصلا خلاف ارتکاز است. ما وقتی که بعد از نذر روزه می­گیریم به خاطر خود روزه است، نه به خاطر وجوب وفای به نذر.

ما اگر قائل به تخصیص شدیم و گفتیم این فعل به حالت سابقه باقی می­ماند، عبادی اتیان کردن، ممکن نیست و ناتمام است.

### جمع بندی

وجه سوم مجال ندارد. بین وجه اول و دوم، وجه اول اقرب به ذهن است. صوم و احرام ذاتا رجحان دارد. این که به وسیله نذر عنوان راجحی پیدا بشود، ارتکاز نمی­پسندد. علاوه بر این، ممکن است کسی بگوید احرام قبل از میقات مانند نماز قبل از وقت است و نماز قبل از وقت هم ملاک دارد هر چند که خداوند ان را واجب نکرده است. روایتی مطرح شده است که در سفر نوافل ساقط است ولی وقتی که به منزل می­رسیدند قضا می­کردند هر چند که قضا ندارد بعد حضرت می­فرمود یعنی من آنها را از بندگی خدا منع کنم.

همان وجه اول اقرب به ذهن است و وجه دوم احاله به مجهول است. یک عنوانی عارض می­شود که نمی­دانیم چه چیزی است. نظیر سواک که اگر نذر بشود وجوب پیدا می­شود چرا که رجحان ذاتی دارد. هر چند که سواک از اول مشروع است.

### خلاصه اصل بحث

حاصل الکلام فی اخر الشوط، این که عناوین ثانویه کارساز نیستند، شکی نیست و آنها مشرِّع نیستند. اصل بحث واضح است و حق با مرحوم شیخ انصاری است که گفته است واضح الفساد یا فاسد جدا. عناوین ثانویه ناظر به عناوین اولیه هستند و چیزهایی که مشروع شده اند را تصرف می­کنند ولی خودشان مشرع نیستند. اما نسبت به دو فرع نهایتش این است که می­گوییم تعبد است و ما نمی­فهمیم.

این دو روایت صوم فی السفر و احرام قبل از میقات را به ما اجازه داده است و اگر ما هم تحلیلی مطرح نکنیم و همه را مناقشه کنند، از نص نمی­توانیم رفع ید کنیم. اشکال عقلی واضحی ندارد تا ما از ظهور رفع ید کنیم. بلکه نص است. یعنی مرحوم آخوند شق القمر نکرده است هر چند تلاش خوبی کرده است ولی بر فرض که تحلیل نتوانیم بکنیم از نص نمی­توانیم رفع ید کنیم.

# دوران امر بین تخصیص و تخصص

موضوع بحث در جایی است که ما عامی داریم مثل اکرم العلما. یک حکم خلاف عام هم داریم مثل لا تکرم زیدا. نمی­دانیم این لا تکرم زیدا، زید عالم است یا جاهل است. زید مشخص است که پسر فلانی است ولی نمی­دانم لا تکرم زیدا یک حکم دیگر است که برای جاهل وضع کرده است یا این که زید عالم است و می­خواهد عموم را تخصیص بزند در عین حال حکم معلوم است که زید وجوب اکرام ندارد ولی نمی­دانیم که تخصص این گونه است یا تخصیص.

آیا می­توان به اصاله العموم تمسک کنیم و بگوییم خروج زید تخصصا است؟ از باب این که لوازم اصول لفظیه حجت هستند. این تمسک برای کشف حدود کلام مولا نیست بلکه برای کشف کیفیت حکم مولا است.

## دلیل جواز تمسک به عام برای اثبات تخصص

مرحوم شیخ انصاری و جماعتی گفته اند می­توان به اصاله العموم تمسک کنیم. اصل این است که تخصیص نخورده است پس این زید جاهل است. حالا احکام زید جاهل را می­توان مترتب کرد یا نه، داستان دیگری دارد.

نکته تمسک: اگر قضیه کلیه موجبه صادق بود عکس نقیض ان هم به نحو کلیه صادق است. اگر گفت کل انسان ناطق، عکس نقیض ان این است: کل من لیس بناطق لیس بانسان. هر کسی که ناطق نیست، انسان هم نیست چرا که اگر قرار باشد بعضی از کسانی که ناطق نیستند انسان باشند، لازمه آن این است که قضیه موجبه کلیه هم صادق نباشد.

در محل کلام گفته می­شود: اکرم العلما قضیه موجبه کلیه ما است یعنی کل من کان عالما فیجب اکرامه. عکس نقیض ان این است: کل من لم یجب اکرامه فلیس بعالم. زید هم که اکرامش واجب نیست، پس عالم نیست.

گفته اند اساسا لبّ تخصص، عکس نقیض است و عکس نقیض هم در شکم موجبه کلیه است نه این که لازمه آن باشد. ادامه بحث در جلسه آینده.